



تکنیک، شتاب واضطراب را بیشتر کرده است/عشق به حقیقت، آزادی می آورد

چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: امروز تکنیک زندگی را آسان کرده اما به همان اندازه که تکنیک زندگی را آسان کرده شتاب را هم بیشتر کرده است و این شتاب درونی اضطراب می آورد.

چهره ماندگار فلسفه در برنامه معرفت گفت: امروز تکنیک زندگی را آسان کرده اما به همان اندازه که تکنیک زندگی را آسان کرده شتاب را هم بیشتر کرده است و این شتاب درونی اضطراب می آورد.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه، عصر دیروز، چهاردهم مهر ماه در برنامه معرفت که از شبکه چهار سیما پخش می شد درباره مساله تظاهر، ریا و نفاق در اخلاق از کتاب خود با عنوان «پرسش از هستی» اظهار داشت: مساله اخلاق و دوری جستن از نفاق و ریاکاری مساله بسیار بنیادین است. کسانی که امام حسین(ع) را به شهادت رساندند، مدعی دیانت بودند، آن هم دیانت اصیل اما چگونه شد ظلمی را مرتکب شدند که در تاریخ بی نظیر است؟

وی افزود: این مساله به دو چیز برمی گردد؛ به اخلاق و معرفت. اخلاق خیلی مهم است، اما اخلاق باید مبنی بر شناخت باشد. اگر شناخت نباشد، اخلاق نیست. انسان ها گرایش های مختلفی دارند. گرایش به شناخت از همه گرایش ها بهتر است. اینکه شناسایی پیدا کنیم به عالم و آدم و جهانی که در آن زندگی می کنیم را بشناسیم. گرایش به شناخت از هر گرایشی زیاتر و بهتر است.

عشق به حقیقت، آزادی می آورد

دینانی تصریح کرد: انسان چه زمانی می تواند خود را آزاد بداند؟ آزادی، عشق به حقیقت است، برای اینکه حقیقت آزاد است و چون حقیقت آزاد است، عشق به حقیقت نیز آزادی می آورد. پس آزادی آنجاست که انسان به حقیقت دل ببندد.

وی با طرح این سوال که خوبی چیست، اظهار داشت: خوبی در گفتار، رفتار و نوع اندیشه انسان معلوم می شود، بدی هم همین طور. انسان بد، بد می گوید، بد می اندیشد و بد عمل می کند. خوب عمل کردن و خوب حرف زدن در تنهایی ممکن نیست. انسان همیشه در رابطه اش یک غیر می خواهد که در سه وجه ظاهر می شود؛ غیر به خداوند، غیر به مردم و غیر به خود. پس انسان همواره به غیر توجه دارد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: اگر انسان با خودش صادق باشد، با دیگران هم صادق است. تمام مشکلات انسان ها در نتیجه این است که انسان ها با خودشان صادق نیستند. انسان باید در مرحله اول با خودش صمیمی باشد. انسان اگر با خودش صمیمی بود با خدا و خلق خدا هم صمیمی و صادق است.

چهره ماندگار فلسفه در مورد منافقین گفت: قرآن از منافقین مذمت می کند. در زمان حضرت رسول(ص) هم منافقین کم نبودند. تظاهر می کردند ولی در باطن شان ایمان نداشتند. مومنین کم بودند، منافقین همیشه بوده اند. در زمان حضرت موسی و حضرت عیسی(ع) هم بوده اند و امروز هم هستند، منتهی امروزه با زیاد شدن روابط، نفاق هم بیشتر گسترش پیدا کرده است. در قدیم روابط نبود، ارتباط منافق کم بود اما امروز منافق ارتباطش با همه عالم است. شدت ارتباطات امروز در تاریخ بشر سابقه ندارد.

تکنیک، شتاب و اضطراب را بیشتر کرده است

دینانی با بیان اینکه نفاق اضطراب آور است، گفت: نفاق اضطراب آور است چون اعتمادها را کم می کند. خود سرعت، اضطراب می آورد. هر چه شتاب بشر در زندگی بیشتر شود اضطراب بشر هم بیشتر می شود. تکنیک به بشر امروز خیلی کمک کرده است. امروزه تکنیک زندگی را آسان کرده است. اما به همان اندازه که تکنیک زندگی را آسان کرده شتاب را هم بیشتر کرده است. شتاب درونی اضطراب می آورد. اضطراب درونی مشکلی است که بشر امروزه با آن مواجه است که از ناحیه شتاب بیرونی که بر درون اثر گذاشته است ناشی شده است.

وی با اشاره به یکی از آیات قرآن افزود: امروزه رسانه ها در دنیا خیلی نقش دارند. امپریالیسم رسانه ای این رسانه ها سعی می کنند بهترین سخنگو را بیاورند اما رسانه های جهان چه چیزی تحویل می دهند؟ اگر سطح تفکر بشر را بالا ببرند، انسانیت و صداقت را بالا ببرند، بشر خیلی پیشرفت می کند. اما می دانید چقدر بدآموزی ها و تراکم اطلاعات به گوش انسان می رسد؟ با موبایل می توانید با جهان ارتباط پیدا کنید، اما بحث بر سر این است که چگونه از آن استفاده کنید. مهم این است که از این دستاورد بشری، خوب استفاده کنیم یا بدون ارزیابی از آن استفاده کنیم.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: مسائل روز بدون تفکر کردن حل نمی شود. ما در این جا سعی می کنیم سطح تفکر بالا برود. حتی اخلاق که اساس زندگی بشری است، نتیجه تفکر است، البته تفکر درست، نه هر اندیشه هرزه. تفکر درست، میزان و تعمق می خواهد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: اگر خوب فکر کنیم در حیرت فرو می رویم که این حیرت، واماندن در راز هستی است. وقتی که من در راز هستی وا می مانم، می فهمم که چیزی ماورای موجودات است. بیشتر بیندیش و به ماورای آنچه تا الان دیده ای برو. همیشه به آنچه دیده ای اکتفا نکن و به ماورا برو. این خاصیت انسان است که در هیچ موجود دیگری وجود ندارد.

انسان باید به آنچه که می شود، بیانداشد

دینانی تاکید کرد: انسان به آنچه که هست باید بیندیشد اما به آنچه که باید بشود نیز باید بیندیشد. حیوانات تصمیم نمی گیرند بلکه بر اساس غریزه عمل می کنند. اما انسان تصمیم می گیرد و عمل می کند و برخلاف غریزه اش هم عمل می کند. انسانی که تصمیم نگیرد و زندگی کند، زندگی اش حیوانی است.

وی با طرح این سوال که چگونه انسان تصمیم می گیرد، گفت: برای تصمیم گرفتن چند چیز ضروری است؛ باید گذشته را بدانیم، به آینده هم بیندیشیم و بدانیم که در اکنون هستیم. از گذشته تجربه بگیریم و بدانیم که در حال داریم گذشته را می آموزیم و از تجربه ای از گذشته آموخته ایم برای آینده تصمیم می گیریم. با تصمیم گرفتن انسان آزاد است.

وی در پایان خاطرنشان کرد: بعضی ها با اندیشه دیگران می اندیشند. حرفی نیست اندیشه دیگران را بفهمیم و بدانیم، کتاب های دیگران را بخوانیم. با اندیشه بزرگان اندیشه آشنا شویم ولی در اندیشه آنها نمانیم. اندیشه آنها را با اندیشه خود بیندیشیم. اندیشه آنها را بفهمیم و آن اندیشه را از آن خود کنیم و با اندیشه خود بیندیشیم و با اندیشه خود که اندیشیدیم تصمیم بگیریم. این معنی آزادی است.